DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۴۰۵

تروریسم ازمنظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات‌های استشهادی

مسعود مطلبی[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر(نویسنده مسئول)
حسن آرایش[۲]
کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران
سید رضا رحیمی عماد[۳]
کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱٦**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، تحولات شگرفی در حوزه روابط بین الملل روی داد و تروریسم به دغدغه‌ای جهانی تبدیل شد. این رویداد که توسط سازمان القاعده روی داد، تروریسم را با مذهب به خصوص اسلام پیوند داد و بنیادگرایان اسلامی رادیکال با آراء و عملکردهایشان مروج تروریسم مذهبی شدند. در این خصوص، مهم‌ترین چهره فکری سید قطب بود که تاثیرات مستقیمی بر عملکردها و دیدگاه‌های سازمان القاعده ایفا نمود. این امر باعث شد تا غرب و در رأس آن آمریکا با یک سوء تعبیر و در یک دیدگاه کلی آموزه‌های اسلام را مروج تروریسم مذهبی معرفی نمایند. شیعه نیز به عنوان یکی از شاخه‌های اسلام، متهم به ترویج آموزه‌های تروریسم مذهبی شد. در این مقاله ضمن بررسی آموزه‌ها و دیدگاه‌های بنیادگرایان اسلامی رادیکال و سازمان القاعده که باعث شکل‌گیری دیدگاه منفی غرب نسبت به آموزه‌های اسلام شده است، دیدگاه فقه سیاسی شیعه در ارتباط با تروریسم مذهبی بررسی می‌شود. بدین جهت دغدغه اصلی این مقاله که با بهره گیری از رویکرد توصیفی – تحلیلی به رشته تحریر درآمده است این است که فقه سیاسی شیعه چه دیدگاهی نسبت به تروریسم مذهبی دارد؟ و آیا آموزه‌های فقه سیاسی شیعه اصول تروریسم مذهبی را مورد تأیید قرار می‌دهد؟ فرضیه این مقاله بر این مبنا است که درآموزه‌های فقه سیاسی شیعه اصولی وجود دارد که شاخص‌های تروریسم مذهبی را رد و غیر مشروع اعلام می‌کند. همچنین در دوران معاصر شاهد گسترش عملیات‌های استشهادی از سوی مسلمانان می‌باشیم که بررسی دیدگاه فقه سیاسی شیعه در این مورد حساس می‌باشد، چرا که دیدگاه‌های غربی این عمل را مصداق عملیات انتحاری و تروریسم قلمداد می‌کنند.

واژه‌هـای کلیدی: تروریسـم مذهبـی، بنیادگرایـی مذهبی رادیکال، سـید قطـب، القاعده، فقه سیاسـی شـیعه، عملیات استشهادی.

1.Mmtph2006@yahoo.com
2.arayeshhasan@yahoo.com
3.emadreza65@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

۱. بیان مسأله

تروریسم مفهومی کهن در ادبیات سیاسی محسوب می‌شود. این مفهوم گرچه قدمت طولانی دارد اما در دهه اول قرن بیست و یکم اهمیت جهانی یافت. در سال ۲۰۰۱ عده‌ای از تروریست‌های وابسته به گروه القاعده حادثه تاریخی ۱۱ سپتامبر را رقم زدند. از این زمان به بعد تروریسم با مذهب پیوند عمیقی یافت و گروه‌های اسلامی، از سوی افکار عمومی جهانی که عمدتاً از رسانه‌های غربی سیراب می‌شدند، به عنوان تروریست شناخته شدند. رسانه‌های غربی با سوءاستفاده از این موضوع اسلام را به طور کلی متهم به ترویج آموزه‌های تروریستی نمودند. در حالی که القاعده تنها به گروهی از بنیادگرایان اسلامی رادیکال تعلق خاطر دارد. بدین صورت تروریسم مذهبی، که یکی از زیر شاخه‌های تروریسم است بعدی جهانی به خود گرفت. تروریست‌های مذهبی اعمال خود را با اصول مذهبی توجیه می‌نمایند. بنیادگرایان اسلامی رادیکال با دیدی قشری و تفسیری ظاهری از آموزه‌های اسلامی نظیر جهاد، دارالاسلام و دارالحرب رسالت خود را نابودی کفار و برپایی حکومت اسلامی معرفی نمودند(نبوی و همکاران، ۱۳۹٤: ۵-۱). اینان حتی حکومت‌های اسلامی موجود را نیز در عداد جوامع جاهلی معرفی نمودند که باید حذف می‌شدند. بنیادگرایی اسلامی رادیکال ملهم از اندیشه‌ها و آراء کسانی چون ابن تیمیه، ابن حزم، مودودی و رشید رضا بود. اما مهم‌ترین شخصی که نظریاتش پایه‌گذار گروه‌های اسلامی رادیکال در دوران معاصر بود بی شک سید قطب بود. وی تأثیر مستقیمی بر رهبران القاعده، بن لادن و ایمن الظواهری گذاشت. این عده با اقداماتشان نه تنها خود بلکه کلیت جهان اسلام را نیز در معرض اتهام رواج تروریست قرار دادند(آدمی و مرادی، ۱۳۹٤: ۳۵-۲۹). شیعه نیز به عنوان شاخه‌ای از دین اسلام از این اتهامات مبرا نبوده است. به راستی فقه سیاسی شیعه چه پاسخی برای این اتهامات دارد؟ سؤال اصلی این مقاله این است که آیا فقه سیاسی شیعه اصول تروریسم مذهبی را مشروع می‌داند؟ فرضیه این تحقیق بر این مبنا است که در فقه سیاسی شیعه اصولی وجود دارد که تروریسم مذهبی را رد و غیرمشروع اعلام می‌کند. از این رو فقه سیاسی شیعه نه تنها به ترویج آموزه‌های تروریستی نمی‌پردازد بلکه با تاکید بر مواردی نظیر صلح طلبی، امان و قوانین عادلانه جنگی به مقابله با تروریسم می‌پردازد. از این رو فقه سیاسی شیعه در مقابل بنیادگرایان اسلامی رادیکال قرار می‌گیرد. با نگاه به مسائل جاری مربوط به مناقشه اسراییل و فلسطین

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

ابهامی در این فرضیه ایجاد می‌شود. مبارزان فلسطینی گاه با انجام عملیات‌های استشهادی به مقابله با رژیم اشغالگر قدس می‌پردازند اما این حرکت از دیدگاه رسانه‌های غربی به عنوان عملیات انتحاری که یکی از مصادیق تروریسم، می‌باشد تعبیر می‌شود. سوالی که طرح می‌شود این است که دیدگاه فقه سیاسی شیعه در خصوص عملیات استشهادی چیست؟ آیا این عملیات مجوز شرعی لازم در فقه سیاسی شیعه، را دارا می‌باشد و یا به عنوان عملیات انتحاری جزئی از تروریسم محسوب می‌شود؟

۲. ادبیات نظری

۲-۱. تعریف و چیستی تروریسم

تروریسم پدیده تازه‌ای نیست. شاید بتوان قدمت آن را به آغاز حیات بشر رسانید. یک مشکل مهم در زمینه تروریسم، نبود تعریفی واحد از آن است که مورد پذیرش همگان باشد. تروریسم پدیده‌ای پیچیده و متنوع است و نمی‌توان علل و ریشه‌های آن را در یک حوزه بخصوص مورد توجه قرار داد. در فرهنگ‌ها و دانشنامه‌های بین-المللی تعاریف مختلفی از تروریسم ارائه شده است که دارای شباهت‌های زیادی با هم می‌باشد. تاکنون هیچ تعریف رسمی و سیاسی و یا جهانی پذیرفته شده از تروریسم ارائه نشده است.

ریشه لغوی تروریسم به زبان یونانی به کلمه tras به معنی ترس و لرز و ترساندن برمی‌گردد. ترور و تروریسم روشی است که هم حکومت‌ها و هم گروه‌های سیاسی مخالف حکومت برای هراس‌افکنی و ترساندن طرف مقابل، از طریق دست زدن به اعمال خشونت آمیز به کار می‌گیرند(ناجی راد، ۱۳۸۷: ۳۲). ترور در لغت و در زبان فرانسه به معنای هراس و هراس افکنی است. همچنین کردار گروه‌های مبارزاتی که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌آمیز می‌زنند ترور نامیده می‌شود(آشوری، ۱۳۸۹: ۹۸).

واژه تروریسم از فعل ترور مشتق شده است که درلغت به معنای ایجاد رعب و هراس در بین مردم و یا مرعوب ساختن دیگران می‌باشد(عبدالهی، ۱۳۸۸: ۳۵). در لغت‌نامه دهخدا تروریسم واژه‌ای غربی است به معنای قتل سیاسی، همچنین دهخدا در تعریف تروریسم گفته است: «اصل حکومت وحشت و فشار»(دهخدا، ۱۳۴۳: ٦٣٦). تروریسم به معنی کاربرد سیستماتیک ارعاب یا خشونت پیش‌بینی ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

برای دست‌یابی به یک هدف سیاسی است(طیب، ۱۳۸۰: ٥٦). فرهنگ روابط بین‌الملل در تعریف تروریسم بیان می-کند: تروریسم فعالیت‌های عاملان دولتی یا غیردولتی که برای دست‌یابی به اهداف سیاسی از روشها و وسایل خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند(Plane,1988: 201). تروریسم اقدامی سازمان یافته و متضمن خشونت که با حمله غیر قابل پیش‌بینی علیه افراد،گروه‌ها و ملت‌ها عملی می‌شود(امین زاده،۱۳۸۰: ٨٤). بر اساس تعریفی که از تروریسم در المعجم الوسیط، ارائه شده است، تروریست‌ها کسانی هستند که از طریق خشونت سعی در تحقق اهداف سیاسی‌شان دارند(انیس،١٤١٠ه.ق: ٣٧٦). نوام چامسکی در تعریف تروریسم بر آن است که تروریسم کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قرار دادن مردم غیر نظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا مانند آن است(هادویان، ۱۳۸۲: ۳۳). تروریسم استفاده از خشونت غیرقانونی و یا تهدید به خشونت غیرقانونی از طریق ایجاد ترس و ارعاب دولت‌ها و جوامع برای دستیابی به اهدافی که به طور کلی سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک هستند(Morris, 2005:15). هدف اصلی تروریسم ایجاد اندازه‌ای از نا امنی در جامعه از طریق تخریب بنیادهای امنیت عمومی است(Rene Beres, 1971). با توجه به تعاریف مختلف و مهمی که در بالا ذکر شد می‌توان شاخص‌های مهمی را برای تروریسم ذکر نمود، ازجمله: به کارگیری ابزارهای خشونت‌آمیز و ایجاد وحشت از طریق غیر قانونی، رسیدن به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک، غیر قابل پیش‌بینی بودن حملات، تکرارعمل، اقدام سازمان‌یافته، تلاش برای عمومی‌کردن ترس و وحشت و کشتار افراد بی‌گناه برای رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی.

۲-۲. عناصر تروریسم

چنانچه مشاهده شد تعاریف مختلف و متفاوتی از تروریسم وجود دارد که در این مقاله تنها به گوشه‌ای از آن‌ها پرداخته شد. برای روشن شدن تروریسم باید به عناصر مشترک در مفهوم آن توجه نمود. از عناصر تروریسم داشتن انگیزه سیاسی، هدف قرار دادن کسانی که قدرت دفاع از خود را ندارند و مخفی بودن فعالیت‌ها می‌باشد(سروش نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۱). بنابراین عناصر تشکیل دهنده یک ترور عبارت است از استفاده نمودن از ابزارها و روش‌های خشونت آمیز، ارتکاب ترور توسط گروه‌های سازمان یافته، ایجاد رعب و وحشت برای عموم افراد یک جامعه و دنبال کردن یک هدف سیاسی. در یک تقسیم بندی می‌توان از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

موارد زیر به عنوان عناصر تشکیل دهنده پدیده تروریسم یاد نمود:

الف) عمده‌ترین ویژگی تروریسم خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت می‌باشد؛

ب) انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیرنظامیان یکی از ویژگی‌های اقدامات تروریستی است؛

ج) هدف تروریسم ایجاد وحشت و ترس در جامعه است؛

د) انگیزه تروریست‌ها سیاسی و مذهبی و کسب منافع شخصی یا گروهی است؛

هـ) غیرقانونی بودن از ویژگی‌های مهم تروریسم است.

۳-۲. تروریسم مذهبی

در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان تروریسم را به سیاسی و غیرسیاسی تقسیم کرد. در تروریسم غیر سیاسی اهداف و نیات، سیاسی نیست در نتیجه شعاع آن محدود و در حوزه فردی قابل بررسی است. تروریسم غیر سیاسی دو شکل عمده دارد: تروریسم روانی و تروریسم جنایی. قسم دوم، تروریسم سیاسی است،که در پی تغییر و تحول در جامعه و تحقق بخشیدن به آرمان‌های سیاسی، اجتماعی و یا گروهی خود است. یکی از مهم‌ترین انواع تروریسم سیاسی، تروریسم مذهبی می‌باشد. این نوع تروریسم با دیدگاه ادیان الهی در ارتباط است. در این قسم گروه‌های دینی اعمال تروریستی را با اصول مذهبی خود توجیه می‌کنند و با آوردن دلایل و شواهدی ظاهری از دین اعمال خود را الهی جلوه می‌دهند.

تروریسم مذهبی متفاوت از دیگر اشکال تروریسم است بروس هافمن معتقد است که انگیزه تروریسم مذهبی از انجام خشونت به عنوان یک وظیفه الهی و مذهبی در نظر گرفته می‌شود و آن توجیهی برای مشروعیت اقدامات آنهاست(Sparago,2007: 3-4). تروریسم مذهبی با به کارگیری خشونت می‌کوشد تا به اهداف مقدس، متعالی و مذهبی خود که از سوی خداوند و یا مذهب تعیین شده است، دست یابد. این نوع تروریسم گستره وسیعی از انواع دشمنان را به منظور محو همه پلیدی‌ها معرفی می‌کند. تروریسم مذهبی از ایمان، عهد و مذهب سرچشمه می‌گیرد.

موجی از خشونت که توسط تروریسم مذهبی به راه افتاده است، نه تنها از طریق دامنه و اهدافش، بلکه به خاطر ویژگی‌های متمایز و مرگ‌آورش، بی‌سابقه است. همه کسانی که دست به تروریسم مذهبی می‌زنند، معتقدند که اعمال آن‌ها از طرف خداوند مقدس

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

شمرده می‌شود(مهدی بخشی، ۱۳۸۷: ۲۰٤).«براساس آمار نزدیک به نیمی از تروریست‌های فعال بین‌المللی که درسال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ میلادی شناسایی شدند، مذهبی بودند». تروریست‌های مذهبی به هیچ وجه، نگران بعد اخلاقی و یا ضد اخلاقی بودن عمل خود نیستند، زیرا که معتقدند هر عمل شرعی، فی الذاته اخلاقی است. حتی اگر همه دنیا آن‌ها را محکوم کند ، این محکومیت برای آن‌ها دارای اجر الهی است. فلسفه تروریسم مذهبی مبارزه بی‌امان بین کفر و ایمان است؛ مبارزه‌ای که در پایان به شکست کفر و پیروزی مومنان ختم می‌شود. اما هریک از مذاهب، قرائت خاص خود را از کفار و مشرکین دارند(ناجی راد، ۱۳۸۷: ۸۰ –۷۹). روشی که تروریست‌های مذهبی استفاده می‌کنند، ویژگی‌های خاصی دارد. جنگ‌های غیرعادی، غیرمتعارف و غیرمتمرکز از جمله این ویژگی‌هاست. یکی از عوامل ایجاد تروریست‌های مذهبی عرفی شدن جوامع است. در این راستا اکثر گروه‌های تروریستی، نام‌های مذهبی برای خود انتخاب می–کنند(مهدی بخشی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). بنابراین نگرش جزم اندیشانه به مذهب آن‌ها را به خطرناک‌ترین نوع تروریست‌ها بدل می‌کند. تروریسم مذهبی خود به سه نوع مهم قابل تقسیم می‌باشد، مسیحی، یهودی و اسلامی، اما امروزه و بعد از حادثه یازدهم سپتامبر۲۰۰۱ تروریسم اسلامی در مرکز توجهات قرار گرفته شده است. بر اساس تروریسم مذهبی اسلامی که توسط گروه‌های بنیادگرایی چون القاعده مطرح شده است، جهان فقط به مومنان و بندگان صالح خداوند تعلق دارد، و زمین را باید از وجود کافران و پاک نمود.

با توجه به مطالب بالا می‌توان شاخص‌های تروریسم مذهبی را از این قرار دانست: عملیات خشونت بار، جزم اندیشی مذهبی، برتری اهداف ایدئولوژیکی بر اهداف سیاسی، توجیه اعمال خود با نگاه به مذهب، تقسیم جهان به دو بخش خیر و شر، داشتن حالتی تهاجمی و افراطی در راستای احیای سنت‌ها. بدین جهت تروریسم مذهبی به عنوان عاملی در جهت ترس و وحشت و ربودن امنیت جهانی مطرح شد.

٤-۲. بنیادگرایی اسلامی رادیکال

گروه‌های اسلامی در سال ۱۹۹۳، دست به یک بمب‌گذاری در شهر نیویورک زدند که طی این حادثه ۷نفر کشته و بیش از ۱۰۰۰نفر زخمی شدند. در سال ۱۹۹۵ نیز طی یک عملیات تروریستی در انفجار بازداشت‌گاه–های آمریکا در عربستان سعودی توسط اسلام‌گرایان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

رادیکال ۱۹آمریکایی کشته و ۵۰۰ نفر را زخمی کردند. در سال ۲۰۰۱ تروریست‌های اسلامی با ربودن ٤ هواپیمای ایالات متحده حادثه ۱۱ سپتامبر را رقم زدند که در آن بیشتر از ۳۰۰۰ هزار نفر کشته شدند. طی این عملیات‌های تروریستی غرب بر این نکته تأکید نمود که همه مسلمانان تروریست‌های ضد آمریکایی هستند. رسانه‌های آمریکایی مسلمانان را تروریست و اسلام را آموزه‌ای تروریستی معرفی نمودند. در مقابل افراط گرایان اسلامی ادعا می‌کنند که گسترش فرهنگ غربی به خاورمیانه منجر به فقر و مشکلات اجتماعی شده است(کرمی زاده، ۱۳۹۵ :۱٤۲) و براین باورند که مسلمانان باید غربی‌ها را از سرزمین اسلامی اخراج، سیاست‌های غربی را رد و با بازگشت به آداب و رسوم سنت اسلامی خود را از انحراف نجات دهند(Enotes,2012). با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تروریسم بعد جهانی به خود گرفت و دغدغه‌ای همه جانبه تبدیل شد. این حادثه توسط سازمان القاعده صورت پذیرفت. القاعده گروهی با مش بینیادگرایی اسلامی رادیکال بود. رهبران القاعده با توسل به آموزه‌هایی از اسلام اعمال تروریستی خود را توجیه نمودند. ریشه‌های فکری بنیادگرایی اسلامی رادیکال به آراء افرادی نظیر ابن تیمیه، ابن حزم، ابن عبدالوهاب، مودودی، رشیدرضا و سید قطب باز می‌گردد(طاهری و احمدوند، ۱۳۹٤: ۸۹-۸۷). این عده با قرائت خاص خود از اسلام و جامعه اسلامی، خواهان بازگشت به سنت نبوی و برپایی خلافت اسلامی و نابودی همه کفارند. برداشت‌های رادیکال ایشان از مفاهیمی نظیر جهاد، دارالاسلام و دارالحرب، مشروعیت لازم را برای اعمال تروریستی فراهم می-آورد. بر این اساس لازم است تا نگاهی هرچند کوتاه به مفهوم بنیادگرایی اسلامی رادیکال و مبانی فکری آن انداخته شود.

بنیادگرایی، گرفته شده از «فاندیمنتالیسم»[1] به معانی شالوده، اساس و پایه است. بنیادگرایی، اصطلاحی قدیمی است که در گذشته در مورد متعصبین مذهبی به کار می‌رفت(طلوعی،۱۳۷۲: ۲۸۵). بنیادگرایی یک ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر سیاسی کردن دین با هدف استقرار بخشیدن حاکمیت خداوند در زمین است(لیپست، ۱۳۸۳: ٤۱). بر اساس نظریات بنیادگرا جامعه باید اصالت ریشه‌های مقدسش را احیاء و حفظ نماید. هرایر دکمجیان ظهور بنیادگرایی اسلامی را معلول، بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی و ظهور جنبش‌های مذهبی انقلابی که برای از بین بردن نظم موجود و ایجاد جامعه‌ای نوین بر پایه ایدئولوژی اسلام ایجاد شده‌اند،

1. Foundementalism

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

می‌داند(دکمجیان، ۱۳۷۷: ۵۷). بنیادگرایی اسلامی جنبشی است که به ارزش‌های بنیادین اسلامی باور دارد و پیروزی و بهروزی کشورهای اسلامی را در بازگشت به آن ارزش‌ها می‌داند. از دیدگاه شیرین هانتز، بنیادگرایی اسلامی نماد واقعی یک حرکت بنیادگراست. اما آنچه که بنیادگرایی اسلامی را از دیگر حرکت‌های بنیادگرا متمایز می‌سازد و باعث تهدید آمیز بودن آن می‌شود، برداشت یکسره سیاسی و ایدئولوژیک آن از اسلام است(اسدی و غلامی، ۱۳۹۰:۴۳ –۴۱).گروه‌های بنیادگرای اسلامی با ایجاد سه مفهوم کافر، جهاد و شهادت دست به عملیات‌های تروریستی می‌زنند و با تفاسیر خود آن را عملیات استشهادی می‌نامند، به عنوان مثال ابوبکر باسیر[1]، به عنوان امیر جماعت اسلامیه در اندونزی (یکی از مراکز فعالیت القاعده)، از مهم‌ترین افراد متعصبی است که در خصوص مفهوم کافر نظراتی دارد. وی مسئول مرگ حداقل ۲۰۲ نفر می‌باشد که بسیاری از آن‌ها در بمب‌گذاری‌های اکتبر ۲۰۰۲ کشته شدند. او می‌گوید: دو نوع کافر وجود دارد: نوع اول دشمنانی هستند که در تقابل با اسلام قرار می‌گیرند و با آن اعلام جهاد می‌کنند، این‌ها کافر حربی هستند؛ نوع دوم کافر ذمی است که مردمانی را شامل می‌شود که هر چند اسلام را قبول ندارند اما علیه آن هم وارد جنگ نمی‌شوند و اینان تا زمانی که وارد جنگ نشوند، ما با آن‌ها نمی‌جنگیم(آرگو، ۱۳۸۵: ۲۷).

بدون تردید مهمترین نظریه پرداز بنیادگرایی اسلامی در دوران معاصر سید قطب بود. اسپوزیتو با معرفی سید قطب به عنوان معمار اسلام رادیکال وی را پدر جنبش‌های افراطی مسلمانان در سراسر جهان می‌داند به نحوی که سید قطب تأثیر مستقیمی بر نظامی‌گری‌ها، اعمال تروریستی سازمان‌های اسلامی نظیر القاعده داشت (Esposito,1992: 126). سید قطب از متفکرانی نظیر ابن تیمیه، حسن البنا(مؤسس اخوان المسلمین مصر) و ابوالاعلی مودودی (بنیانگذار جماعت اسلامی پاکستان) تأثیر پذیرفته بود. وی به مانند ابن تیمیه جوامع را به دسته خوب و بد تقسیم نمود که در تقسیم بندی او حد میانه‌ای وجود نداشت(Shay& Schweitzer, 2003: 16). سید قطب با تأثیر از ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب جوامع را به دو دسته جاهلی و اسلامی تقسیم نمود. ابن تیمیه مسلمانان معاصر خود را جاهلی خواند و ابن عبدالوهاب وضعیت مسلمانان حتی آنان که در عربستان هستند را نیز همانند وضعیت دوره جاهلی قبل از اسلام می‌دانست. محمد عبده و رشید رضا نیز ویژگی‌های جوامع خود

1. Abubakr Baasyir

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

را با عصر جاهلی مقایسه و چنین نتیجه می‌گیرند که بعضی از جوامع اسلامی حاضر از نظر اخلاقی و مذهبی بیشتر از مردمان دوره جاهلیت فاسدترند(Shepard, 2003:522-523). همچنین سید قطب به تبعیت از البنا و مودودی، غرب را به عنوان دشمن تاریخی اسلام و مسلمانان و تحت عناوینی نظیر صلیبیون و استعمارگر می‌دانست(Binder,1988: 179). فرض نظام فلسفی سید قطب تضاد کیفی میان فرهنگ غرب و دین اسلام است. بر این اساس بنیاد گرایی اسلامی با روشنگری، سکولاریسم، دموکراسی، ناسیونالیسم، مارکسیسم و سنت- گرایی مخالف است(Choueiri,1988). سید قطب تفسیر تازه‌ای از دارالسلام و دارالحرب ارائه داد که طی آن دارالسلام تنها سرزمینی است که دولت اسلامی در آن استقرار یافته و شریعت اسلامی حاکم است و بقیه جهان دارالحرب است. مسلمانان نیز به دو طریق می‌توانند با دارالحرب رابطه داشته باشند یا معاهده صلح برقرار کنند و یا این که بجنگند(مهدی بخشی، ۱۳۸۵: ۱۷۸). از نظر سید قطب هدف اسلام نابودی همه جوامع جاهلی است. مردمی که در سایه نظام اسلامی زندگی می‌کنند و برنامه اسلامی را بدون کم و کاست به کار می‌بندند مسلمانند و دیگران پیرو هر مکتبی، جاهلند که باید نابود شوند(سید قطب، ۱۳۶۹: ۲۵). جهاد مفهومی است که مودودی و قطب در مبارزه با جامعه جاهلی به کار گرفته‌اند. از نظر اینان جهاد، دفاعی نمی‌باشد. در دیدگاه اینان جهاد مبارزه‌ای علیه جاهلیت است و تازمانی که همه دولت‌ها در جاهلیت به سر می‌روند و حاکمیت غیر اسلامی را پذیرفته‌اند جهاد ادامه خواهد داشت(Binder, 1988: 181). سیدقطب بر گروه‌های اسلام‌گرای تندرو اثر شگرفی گذاشت. ازجمله گروه تکفیر و الهجره که وزیر کشاورزی مصر را در سال ۱۹۷۷ ترور کردند. شکری مصطفی رئیس این گروه یکی از رهبران فکری خود را سید قطب معرفی نمود. گروه جهاد اسلامی مصر نیز که در سال ۱۹۸۱ انور سادات را ترور کرد نیز از آرائ سید قطب تأثیر پذیرفت. سید قطب تأثیر عمیقی بر سازمان القاعده گذاشت. اسامه بن لادن رهبر این سازمان تحت نظر محمد قطب، برادر سید قطب و دوست صمیمی وی بود. ایمن الظواهری نیز به عنوان دومین رهبر القاعده، و رهبر فکری این گروه به شدت تحت تأثیر آراءسید قطب بود(مهدی بخشی، ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۸٤).

نام القاعده از عنوان پادگان نظامی این گروه قاعده الجهاد (پایگاه نبرد قدس) گرفته شده است و بیشتر اعضا، ابتدا آن را جبههٔ بین‌المللی جهاد علیه یهودیان و صلیبیان می‌نامیدند. این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

سازمان متشکل از مجاهدان عرب- افغانی پیشین و سازمان الجهاد به رهبری ایمن الظواهری بود. در تشکیل القاعده دولت‌های متعددی مانند عربستان، پاکستان و ایالات متحده همکاری مؤثری داشته‌اند که بدون این همکاری امکان تأسیس چنین تشکیلاتی وجود نداشت. این سازمان در اواخر دهه ۱۹۷۰ به عنوان دفتر «مکتب الخدمه» و با هدف آموزش، پشتیبانی و تجهیز مجاهدین عرب برای جنگ با شوروی سابق آغاز به کار کرد(اسماعیلی، ۱۳۸٦: ٦۹-۵۳). القاعده در۱۹۸۸ به طور رسمی به وسیله‌ی اسامه بن لادن در شهر پیشاور پاکستان پایه گذاری شد. بن لادن و جریان فکری القاعده، امتداد جریان بنیادگرایی الجهاد است که ریشه‌هایش به ابن تیمیه، ابن حزم، مودودی و سیدقطب می‌رسد(ناجی راد، ۱۳۸۷: ۳٦۹-۳٦٦). این سازمان در راستای کاهش دخالت‌های غیرمسلمانان بر دنیای اسلام و با هدف برقراری نظام اسلامی درسراسر جهان ایجاد شد و در سال ۱۹۹۵ در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفت(اسپوزیتو، ۱۳۸٤: ٤۱). هدف بن لادن از ایجاد سازمان القاعده احیای خلافت پان اسلامی در سراسر جهان از طریق سرنگونی رژیم‌های غیر اسلامی و اخراج غربی‌ها و غیر مسلمانان از کشورهای مسلمان بود(Schwandt, 2001). ایدئولوژی سیاسی القاعده را می‌توان به عنوان یک طرح برای پاکسازی جهان اسلام، به ویژه خاورمیانه از نفوذ غرب در در سراسر منطقه داست. این ایدئولوژی ترکیبی از عناصر ضد استعماری ورویای بازگشت به خلافت است(Bergen,2005: 4).

القاعده مهمترین اصلی که برای توجیه اقدامات تروریستی خود مطرح می‌کند را جهاد می‌داند(نعمتی و روجنی، ۱۳۸۸: ۸۵). در این راستا غرب جهاد در اسلام را عامل تقویت، تروریسم قلمداد نمود. رهبران القاعده اعتقاد دارند که جهاد رکن ششم دین می‌باشد و هیچ کافری حق زندگی ندارد. در این بین مسلمانانی که با آمریکا و اسرائیل همکاری می‌کنند نیز جزء کافران شمرده می‌شوند(زرقاوی، ۱۳۸۵). پیروان بن لادن در نظر خود، خود را یک جزیره‌ای از مؤمنان واقعی تصور می‌کنند که در دریایی از شرارت احاطه شده‌اند و فکر می‌کردند که آینده دین خود و جهان بستگی به نبرد آنان دارد(Scott Doran,2001: 35). در فوریه ۱۹۹۸ بن لادن علیه یهودیان و صلیبیون اعلام جهاد کرد و گفت: کشتن اتباع آمریکا و متحدان آن در هر کجای دنیا وظیفه همه مسلمانان است(یزدان فام، ۱۳۸٤: ۱۱). ایمن الظواهری به عنوان نظریه‌پرداز القاعده اهداف جنبش بنیادگرای اسلامی را چنین بیان می‌کند:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

ابتدا رسیدن به یک همبستگی، سپس جنگ با رژیم‌های فعلی جهان اسلام و سپس تأسیس یک حکومت اسلامی ناب. از نظر ظواهری جهاد جنگی انقلابی و جهانی است که بایستی از طریق خشونت، اقدام سیاسی و تبلیغات علیه رژیم‌های سکولار و نخبگان سکولار جهان اسلام صورت گیرد(نعمتی و روجنی، ۱۳۸۸: ۷۰). سازمان القاعده معتقد است که باید این واقعیت را پذیرفت که القاعده و وابستگان آن، از کشته شدن هزاران نفر از مسلمانان برای رسیدن به اهداف خود بهره‌برداری کنند و به عنوان مثال، پس از حمله به سفارتخانه‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا، بیشتر از دویست نفر از کشته شده‌گان مسلمان بوده وتنها دوازده نفر آمریکایی قربانی این حملات بوده‌اند. به این ترتیب القاعده معتقد است که کشتار غیر نظامیان و برادران مسلمان نباید آنان را در موضعی دفاعی قرار دهد(Bergen, 2005: 11-12).

رهبران القاعده برای توجیه کشته شدن انسان‌های معمولی و غیر نظامی طی عملیات‌های تروریستی خود از مفهوم فقهی – سلفی تترس (سپر قرار گرفتن) بهره برده‌اند. براساس این باب فقهی قتل مسلمانان در اماکن مورد هدف جایز است و اجر کشته‌شده‌گان هم با خداست(اسماعیلی، ۱۳۸٦: ۱۰۲–۱۰۱). سلیمان ابوغیث یکی از مهمترین اعضای سازمان القاعده در مورد کشتن آمریکایی‌ها بیان می‌کند: ما به برابری با آن‌ها دست نیافته‌ایم. ما حق داریم چهار میلیون آمریکایی– که دو میلیون آن شامل کودکان باشد – را بکشیم و بیش از دو برابر آن را زخمی و صدها هزار نفر را معلول کنیم. و همچنین حق ماست که با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی با آن‌ها بجنگیم تا آن‌ها را به ناخوشی‌های مهلک مبتلا سازیم(برگن، ۱۳۹۰: ٤۲۸). از نظر سازمان القاعده، کشتن آمریکایی‌ها و متحدان نظامی و غیر نظامی آن وظیفه‌ی فردی هر مسلمانی است که می‌توانید آن را انجام دهد (Keeney, 2009: 7). محمد المقدسی استاد زرقاوی(یکی از اعضای القاعده) از شاگردش انتقاد و او را به اعتدال فرا می‌خواند. المقدسی حملات انتحاری، سر بریدن گروگان‌ها، حمله به زنان و کودکان و به قتل رساندن شیعیان را رفتاری اشتباهی می‌دانند که چهره واقعی جهاد را مخدوش می‌سازد(اسماعیلی، ۱۳۸٦: ۱۲۱–۱۲۰). یکی دیگر از ویژگی‌های مهم القاعده که با تروریسم مذهبی منطبق است به کارگیری خشونت و ایجاد وحشت فراگیر است. خشونت یکی از ابزار مهم تروریست‌های مذهبی برای پیشبرد اهداف خود می‌باشد. یکی دیگر از اصول القاعده، تقسیم جهان به دو بخش مومنان و کافران است. در این ایدئولوژی، باید مومنان علیه کفار همیشه در حال مبارزه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

باشند. از نظر اینان چون حاکمان امروزه جوامع اسلامی نمی‌توانند به طور کامل شریعت اسلامی را جاری کنند، پس مرتد هستند و باید علیه آنان نیز مبارزه کرد، تا در نهایت کفار نابود و مومنان حکومت ناب اسلامی را تشکیل دهند(طارمی، ۱۳۸۷: ۸۵). در آغاز دهه نود، اعضای القاعده تلاش کردند مواد هسته‌ای تهیه کنند، در آن ایام این گروه در سودان مستقر بود. پس از استقرار دوباره القاعده در افغانستان، بن لادن با دانشمندان ارشد هسته‌ای پاکستان ملاقات کرد و احتمالاً تلاش می‌کرد از اتحاد شوروی سابق مواد هسته‌ای خریداری کند. در همان حال، اعضای القاعده نیز مطالعه درباره سلاح‌های شیمیایی ناخالص را آغاز کردند و کوشیدند درباره سلاح‌های میکروبی اطلاعاتی به دست بیاورند(برگن، ۱۳۹۰: ٤١٧). پس می‌توان ازخشونت، اقدام سیاسی سازمان یافته، تفسیر ظاهری از مفاهیم اسلامی همچون جهاد، احیای دین، مبارزه با کلیه نظام‌های غیراسلامی برای براندازی آن‌ها، به عنوان اصول اساسی سازمان القاعده نام برد. با بررسی اصول و اهداف القاعده که نماد بنیادگرایی اسلامی رادیکال است می‌توان اصول آن را با اصول تروریسم مذهبی تطبیق داد. از جمله اینکه: هر دو از اصول مذهبی برای مشروعیت اقدامات خود استفاده می‌کنند. در هر دو عنصر به کارگیری خشونت برای رسیدن به اهداف سیاسی نمایان است. در هر دو بازگشت به سنت‌ها برای احیای دینی مدنظر است. هر دو با توجه به ایدئولوژی خود جهان را به دو بخش خیر و شر تقسیم می‌کنند، که خود را مظهر خیر می‌دانند و وظیفه خود را مبارزه بی‌امان برای از بین بردن مخالفین دیدگاه خود می‌دانند. و بالاخره هردو نوعی تفسیر جزم اندیشانه از مذهب را دارند(جعفری و بهرامی، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۹). بنیادگرایی اسلامی بر ارزش‌های سنتی اسلام معتقد است و پیروزی کشورهای اسلامی را در بازگشت به آن ارزش‌ها می‌داند. بنیادگرایی اسلامی از سوی غرب برای اشاره به جنبش‌های اسلامی و احیاگری اسلامی به کار رفته است. اهداف بنیادگرایی اسلامی بازگشت به اصول اسلامی، قرآن وسنت نبوی از طریق شعار جهاد می‌باشد. بنیادگران اسلامی مایل به برتری دین بر سیاست از طرق اصول شریعت هستند. بر این اساس می‌توان شاخص‌های بنیادگرایی اسلامی را در قالب: تفسیر ظاهری و قشری از قرآن و سنت، رجوع به سنت، تفسیر ایدئولوژیک از دین، احیای دین نبوی و تقسیم جهان به دو بخش مومنان و کفار بر حسب ایدئولوژی و مبارزه بی‌امان با کفار، بیان کرد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

۳. فقه سیاسی شیعه و تروریسم

رابطه بین دین و ترور، از مدت‌ها پیش یک موضوع نگران کننده بوده است. در عصر ما نیز روابط بین این دو مجدداً مساله مورد بحث و گفتگو را تشکیل می‌دهد. بعد از واکاوی مفهوم تروریسم و تبیین معنای آن، نوبت به این بحث می‌رسد که آیا در فقه سیاسی شیعه، چنین تعریفی از تروریسم وجود دارد یا خیر؟ و دیدگاه فقه سیاسی شیعه، در خصوص این مساله جهانی چگونه بوده است؟ بدون تردید، اصطلاح مدرن تروریسم از اصطلاحات جدیدی است که درزمان صدر اسلام، سخنی از آن در میان نبوده است اما تعبیراتی را در آیات و روایات و عبارات فقها می‌توان یافت حاکی از آن که اسلام برای این بخش از زندگی انسان‌ها نیز تدابیری اندیشیده است و عباراتی در متون دینی اسلامی وجود دارد که مفهومی مشابه مفهوم تروریسم دارد. فقه شیعه با تاکید بر اموری چون صلح، امان و برادری نه تنها ترویج دهنده تروریسم نیست بلکه منادی نوع دوستی و آرامش است. در خصوص دیدگاه فقه سیاسی شیعه آیات و روایات گسترده‌ای وجود دارد که حمل بر ادعای فوق می‌باشد. همچنین مراجع شیعی نیز با جهت گیری‌های خود بر ضد تروریسم، شیعه را از ترویج آموزه‌های تروریسم مبرا معرفی می‌کنند. فقها در فقه سیاسی شیعه در برابر تروریسم، اصلاحاتی چون: فتک، غیله، ارهاب، غدر و محاربه را به عنوان معادل‌هایی برای تروریسم ذکر می‌کنند. در ذیل به تعاریفی کوتاه ازآن ها اشاره می‌شود:

فتک: فتک آن است که کسی بر همراه خود وارد شود و در حالی که او غافل است، بطور ناگهانی او را به چنگ اندازد و به قتلش برساند (شبان نیا، ۱۳۸۵: ۳۸). در فرهنگ نوین فتک به حمله برد، یورش برد، به ناحق کشت، خون ناحق ریخت و آدم‌کش ترجمه شده و فتاک به بسیار آدم‌کش ترجمه شده است (انطون، ۱۳۷۰: ذیل کلمه فتک). فتک این است که بر کسی غفلتاً یورش ببرند و او را بکشند، خواه با سلاح باشد یا نباشد، در امور سیاسی باشد یا نباشد(مرعشی، ۱۳۸۱: ۲۸). علامه مجلسی در بحار الانوار به نقل از جوهری، فتک را چنین تعریف می‌کند: فتک آن است که شخصی کسی را که نزد اوست و غافل است مورد حمله قرار دهد و به قتل رساند و در حدیث آمده است که ایمان فتک را قید و بند زده است و مؤمن اقدام به فتک نمی‌کند(مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۹).

غیله: از دیگر اصطلاحات معادل تروریسم در فقه سیاسی شیعه غیله است. غیله عبارت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

است از اینکه کسی دیگری را فریب دهد و او را به موضعی رهنمون سازد و هنگامی که او به آن مکان رسید او را به قتل رساند(ابن منظور، ١٤٠٥: ٥١٢). لغت‌نامه المنجد، غیله را مکر، فریب و نیرنگ، غافلگیر کردن و کشتن، ترور و ترور کردن معنا کرده است(فوزی تویسرکانی، ١٣٧٧: ٢٩٤). غلیه، یعنی فریب دادن کسی و کشاندن او به موضعی برای قتل او. این عمل در اسلام حرام وجرم شمرده شده است(حسینی، ١٣٨٧: ٢٨-٢٧). غلیه یعنی خدعه و آن قتل کسی است درحالی که آن شخص غافل است. بنابراین، قتل غلیه آن است که کسی دیگری را فریب دهد و در موضعی مخفیانه او را به قتل برساند (شبان نیا، ١٣٨٥: ٣٩) غیله به معانی هلاک کردن، به ناگاه کشتن، با خدعه کشتن، در پنهانی کشتن و فریب دادن آمده است(فیض اللهی، ١٣٨٩: ٣٥).

ارهاب: واژه ارهاب در زبان عربی به معنی خوف، فزع و ترویع است که همان ترس و ایجاد رعب و وحشت بین مردم به جهت وادارکردن آن‌ها به اطاعت و تسلیم است. معادل کلمه ارهاب به زبان انگلیسی همان کلمه ترور[1]، به معنی ترساندن و به وحشت انداختن می‌باشد(مندلاوی، ١٣٩٠: ٤٧-٤٦). ارهاب در ادبیات عرب به معنای ترساندن و دچار هراس کردن است(معلوف، ١٩٩٨: ٢٨٢).

محاربه: برخی علما محاربه را هم پایه تروریسم می‌دانند. از جمله صاحب جواهر معتقد است که محارب کسی است که به روی دیگران اسلحه بکشد و آنان را بهراساند. بنا به تعریف وی قصد محارب ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است چه این امر در خشکی باشد یا دریا، روز باشد یا شب(نجفی، ١٣٦٣: ٥٦٤). بنابراین محاربه نزدیکی خاصی با تروریسم دارد. از جمله عوامل مشترک میان این دو مفهوم ایجاد ترس و وحشت در میان مردم و توسل به اعمال خشونت آمیز است.

پس از آشنایی با مفاهیمی چون فتک، غیله، ارهاب و محاربه که نزدیکی خاصی با تروریسم دارند لازم است تا دیدگاه فقه سیاسی شیعه را در خصوص تروریسم دریابیم. به این منظور باید به منابع فقه شیعه یعنی قرآن کریم و روایات مراجعه نمود. در کنار این‌ها می‌توان از دیدگاه‌های علمای دینی شیعه در خصوص مساله تروریسم نیز استفاده نمود. در این قسمت با اشاره به مواردی که شیعه ترور را نفی می‌کند مواردی نیز در خصوص صلح طلبی ، قاعده

1. Terror

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ١٣٩٥
[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

امان و جنگ عادلانه در آموزه‌های شیعی، همچنین دیدگاه فقه شیعه در خصوص جهاد، کفار و نحوه برخورد با آن‌ها را ارائه می‌دهیم.

۱-۳. قرآن:

مهم‌ترین منبع فقه سیاسی شیعه قرآن می‌باشد که با اشاره به مواردی از آن می‌توان دریافت که این کتاب آسمانی اعمال تروریستی را مورد نهی قرار می‌دهد و در عوض آن بر صلح و مودت میان انسان‌ها اشاره می‌کند. قرآن کریم همواره بر صلح تاکید می‌کند: «اگر به صلح مایل باشند، تو نیز مایل به صلح باش و بر خدا توکل کن همانا خداوند شنوا وداناست»(انفال/ ٦١). در فقه سیاسی شیعه کشتن یک انسان بی‌گناه به منزله کشتن همه جامعه بشری قلمداد می‌شود. قرآن کریم تصریح کرده است که: «اگر کسی جان کسی را نجات دهد، مثل این است که جان همه انسان‌ها را نجات داده است و اگر فردی را به قتل برساند مانند این است که تمامی انسان‌ها را کشته است»(مائده/ ۳۲). در قرآن کریم، ترور شخصیت، کشتن افراد بی‌گناه و حذف فیزیکی انسان‌ها و مصادره اموال و حقوق دیگران از گناهان بزرگ شمرده می‌شود. اسلام از سلطه‌گری و استعمار ملت‌ها که یکی از ریشه-های مهم پرورش تروریسم است با عنوان طاغوت یاد می‌کند و هرگونه همکاری با طاغوت را دشمنی با خداوند و پذیرش ولایت شیطان معرفی می‌کند.[1] قرآن کریم فرضیه ریختن خون بیگناهان ، به خاطر مجازات گنه‌کار را رد می‌کند و بیان می‌کند: «...هرگز بار گناه کسی را دیگری بر دوش نخواهد کشید»(زمر/۷). همچنین در جای دیگر قرآن آمده است: «هر که مؤمنی را به عمد بکشد، کیفر او دوزخ جاویدان است»(نساء/ ۹۳). قتل نفس و کشتن بی‌گناهان در اسلام چنان جرم بزرگی محسوب می‌شود که به تعبیر قرآن مانند قتل همه مردم می‌باشد و آیه قرآنی: و کانما قتل الناس جمیعاً، بهترین مدرک و روشن‌ترین، شفاف‌ترین و صریح‌ترین دلیل فقهی مسلمانان بر رعایت اصل حرمت و کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر است. تعبیر قرآنی نفس و ناس آمده است و قید مسلمان بودن، مؤمن بودن و نظایر آن‌ها نیامده است(هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱: ٢٤).

۲-۳. روایات

پیامبر(ص) فرموده‌اند: همانا ایمان فتک را در زنجیر می‌کند، از اینرو نباید مؤمن در برابر مؤمن فتک نماید(طارمی، ۱۳۸۷: ۷۹-۷۸). در حدیث دیگری از پیامبر اکرم(ص) آمده

۱. رجوع کنید به؛ سوره بقره: آیات ٢٥٦ و ٢٥٧، سوره نساء: آیات ٥١، ٦٠ و ٧٦، سوره مائده: آیه ٦٠، سوره نحل: آیه ٣٦ و سوره زمر: آیه ١٧ .

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

است: «در اسلام فتک جایی ندارد. همانا ایمان فتک را در بند می‌کند»(ری شهری، ۱۳۷۵: ۲۲٤۹). همچنین پیامبر (ص) در رد ارهاب می‌فرمایند: هر کسی مؤمنی را بترساند، خداوند نیز در مقابل بر خود واجب کرده است او را از ترس و وحشت‌های روز قیامت ایمن نسازد(مندلاوی،۱۳۹۰: ٦۰). ابوسعید و ابوهریره از رسول خدا(ص) نقل می‌کنند: اگر همه اهل آسمان و زمین، به ناحق در ریختن خون یک مؤمن شراکت داشته باشند به یقین خداوند آن‌ها را در آتش جهنم می‌افکند(همان: ۱۲۱-۱۲۰).

در خصوص نفی فتک، کلینی روایت دیگری از گفتگوی ابو صباح با امام صادق(ع) می‌کند. ابوصباح کنانی به امام صادق(ع) می‌گوید: همسایه‌ای دارم که نسبت به امام علی(ع)، ناسزا می‌گوید. اگر اجازه دهید در کمین وی می‌نشینم و او را می‌کشم. حضرت در پاسخ فرمودند: «یا اباصباح، هذا الفتک فقد نهی رسول الله عن الفتک. یا اباصباح، ان الاسلام قید الفتک» یعنی: ای اباصباح این عمل ترور است و رسول خدا از ترور نهی فرمودند(کلینی، ۱٤۰۷ه.ق: ۳۷٦). روایت دیگری نیز در خصوص نهی از فتک از مسلم بن عقیل نقل شده است. زمانی که هانی مریض بود، عبیدالله تصمیم به عیادت از وی می‌گیرد. هانی به مسلم عرض نمود که فردا عبیدالله به عیادتم می-آید. من او را سرگرم می‌کنم و هنگامی که آب طلب نمودم بیرون بیا و او را به قتل برسان. هنگامی که عبید الله به دیدار هانی رفت و مسلم در خانه مخفی شده بود، هانی طلب آب نمود اما مسلم از قتل عبیدالله منصرف شد. زمانی که هانی علت را جویا شد مسلم در پاسخ به روایتی از پیامبر(ص) اشاره نمود که فرموده بودند: «ان الایمان قید الفتک و لا یفتک مؤمن» (ایمان مانع ترور است و مؤمن اقدام به ترور نمی‌کند) (طبرسی، ۱۳۹۰ه.ق: ۲۲۵). مسلم در مورد عدم ترور ابن زیاد فرمود: «نحن اهل بیت لا تغدر» یعنی: ما که از اهل بیت پیامبر(ص) هستیم، ناجوانمردی و خیانت نمی‌کنیم(مندلاوی، ۱۳۹۰: ۱۰٦). علاوه بر این موارد در روایات آمده است هر کس اسلحه حمل کند و در جامعه رعب و هراس ایجاد کند محارب است(موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۳۷۹). از نظر اسلام و پیامبر(ص) اصل بر مهر، عطوفت، مدارا و رحمت است وایشان تا حد ممکن از خشونت دوری می‌کردند و خشونت را آخرین راهکار و چاره برای مقابله با مفاسد و شرور اجتماعی می‌دیدند(نعمتی و روجنی، ۱۳۸۸: ۹۷) حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «...با دشمنان خود جنگ نکنید مگر آن‌ها شروع کنند...افراد در حال فرار از جنگ را نکشید و به زخمی‌ها حمله نکنید

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

و عورت کسی را آشکار نکنید و جسد هیچ کشته‌ای را مثله نکنید و اگر به خانه و کاشانه‌ی آن مردم رسیدید، حفاظ و پرده آنان را مدرید و زایل نکنید...» (نهج البلاغه، نامه ٤٧).

۳-۳. فتاوای علما و مراجع شیعه

علمای شیعه ترور را نفی می‌کنند. از جمله آیت‌الله علامه نوری اظهار می‌کند: ترور از ظالمانه‌ترین و بیرحمانه‌ترین و گناه‌ترین نوع آدم‌کشی است، قتل و ترور هر دو جنایات فجیعی هستند. اما ترور به مراتب شدیدتر و در سلب امنیت اجتماعی خطرناکتر است(فاضل میبدی، ۱۳۸۱: ٥٤). امام خمینی(ره)، به صراحت، ترور و اقدامات تروریستی را رفتاری غیر انسانی معرفی می‌کنند. از نظر ایشان، ترور، اقدامی غیرانسانی و در عین حال بسیار ناجوانمردانه است. ازنظر امام، دست‌زدن به اقدامات تروریستی، نشانه بی‌عقلی و حماقت مرتکبین آنهاست. ایشان معتقدند که ترور، اقدامی احمقانه و ناشی از حماقت و نهایت بی‌عقلی است. ازسوی دیگر، ایشان تروریست‌ها را افرادی می‌دانند که از درک مسیر صحیح عاجز گشته‌اند. از نظر ایشان، ترور، مکتبی انحرافی است و توسل به اقدامات تروریستی و ترورگری را از جمله ویژگی‌های منحرفین و گمراهان می‌دانند(نعمتی و روجنی، ۱۳۸۸: ۱۸)

آیت الله منتظری نیز بیان می‌کند: به طور کلی در اسلام از ترور مخالفین تهی شده است(منتظری، ۱۳۷۷: ۳٤۳). آیت الله مکارم شیرازی نیز در خصوص ترور می‌گوید: هر کس مؤمنی را به قتل برساند حکمش قصاص است و اگر او مرتکب خطایی شده باشد باید بوسیله حاکم شرع حکم الهی در مورد وی اجرا گردد(مکارم شیرازی، ١٤٢٧ه.ق: ٣٧٤) آیت الله سید علی خامنه‌ای، در پیامی به اولین اجلاس بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم، چنین بیان نمودند که: ما با تکیه برتعالیم اسلام که کرامت انسانی یکی از سرلوحه‌های آن است و کشتن یک انسان بی‌گناه در آن به مثابه‌ی قتل همه‌ی انسان‌ها به شمار می‌رود، و به عنوان ملتی که در سه دهه‌ی گذشته متحمل خسارت‌های سنگین از تروریسم خشن شده است، مبارزه با این پدیده‌ی شیطانی را تکلیفی تخلف ناپذیر برای خود می‌دانیم و تلاش در راه این مبارزه‌ی بزرگ را با قدرت ادامه خواهیم داد(خامنه‌ای، ۱۳۹۰). با بررسی مفهوم و معنای جهاد در اسلام و همچنین مطالعه و مشاهده اولویت صلح بر جنگ بدین نتیجه می‌رسیم که جهاد نمی‌تواند توجیهی برای دست زدن به ترور باشد. جهاد از نظر اسلام، قبل از هرچیز امری دفاعی است. یعنی دفاع از کیان و ناموس اسلام و مسلمین و مملکت اسلامی در برابر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

تجاوزات عملی دشمنان اسلام. جهاد در دیدگاه غربیان به عنوان آموزه‌ای تروریستی سوءتعبیر می‌شد و اقدامات و عقاید القاعده نیز به این نگرش دامن می‌زد. اما با نگاهی به مفهوم جهاد در فقه سیاسی شیعه شاید گره کور مساله باز شود و این برداشت از جهاد اصلاح شود.

جهاد در فقه سیاسی شیعه به دو نوع ابتداعی و دفاعی تقسیم می‌شود. فقه سیاسی شیعه جهاد ابتدایی را مشروط به امر امام معصوم مسبوط الید می‌داند. پس در دوران غیبت جهاد ابتدایی برای مسلمانان امکان پذیر نمی‌باشد. همچنین فقه سیاسی شیعه جهاد دفاعی را با محدودیت‌هایی از جمله: نفی ترور، تحریم و غدر امکان پذیر می‌داند(فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۲٤). از نظراصول فقه سیاسی شیعه نیز جهان به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شود. اما برخلاف القاعده اولاً کلیه‌ی سرزمین‌های اسلامی را جزء داراسلام می‌داند و مبارزه علیه هم را ممنوع می‌کند. ثانیاً خود دار الکفر را به دو قسمت کفار ذمی و کفار حربی تقسیم می‌کند. کفار ذمی با پرداخت جزیه از امنیت برخوردار می‌شوند. کفار حربی خود به دوقسم: در حال صلح یا امان و در حال جنگ است. کفار دارالامانی که در حال صلح با مسلمین هستند تجاوز به آن‌ها نهی شده است. در مورد کفار در حال جنگ نیز باید شروط قوانین جنگ در اسلام باید رعایت شود. از جمله: ممنوعیت حمله و تجاوز به زنان، کودکان و سالخوردگان که مورد نهی قرار گرفته شده است(طارمی، ۱۳۸۷: ۸٦-۸۵). امام صادق (ع) می‌فرماید: وقتی که رسول خدا لشکری را گسیل می‌کرد، دستور می‌داد که آن‌ها در برابرش بنشینند و به آن‌ها اینگونه سفارش می‌کرد: به نام خدا و به خاطر خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا حرکت کنید، به دشمن شبیخون نزنید و آن‌ها را مثله (قطعه قطعه) نکنید و کید و خدعه نزنید و پیران و کودکان و زنان را نکشید و جز در حال اضطرار درختی را قطع نکنید(حر عاملی، باب ۱۵: حدیث ۲). در اسلام بر امان تاکید شده است. پیامبر اکرم (ص) از کشتن زنان و خردسالان و پیران در جنگ نهی می‌کردند مگر آنکه در کارزار مشارکت داشته باشند(طارمی، باب ۱۸، حدیث ۱). در نگاه اسلام اگر فردی از مسلمین به فرد یا افرادی از کفار امان دهد بر همه مسلمانان واجب است که این امان را به رسمیت بشناسند. امام صادق(ع) در این خصوص بیان می‌کند: اگر سپاهی از مسلمین گروهی از کفار را محاصره نماید و شخصی از مشرکان تقاضای امان نماید و یکی از مسلمانان به آنان امان دهد بر همه آنان حتی بزرگانشان واجب است این امان را رعایت نمایند(حر عاملی، باب ۱۵، حدیث ۱). از در خصوص تاکید اسلام

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

بر مساله امان دادن روایتی به این مضمون وجود دارد. اسامه بن زید یکی از یاران پیامبر می‌گوید: توسط رسول اکرم(ص) به ماموریتی به حرقه اعزام شدیم، در حرقه من با یکی از انصار شخصی از کفار را در میان گرفتیم. او فوراً گفت لا اله الا الله، انصاری شمشیرش را غلاف نمود اما من او را کشتم وقتی ماجرا را برای پیامبر(ص) بازگو نمودیم فرمودندکه ای اسامه او را پس از آنکه لا اله الا الله گفت کشتی؟ گفتم او بدان وسیله می‌خواست پناه بگیرد. اما پیامبر همچنان سخن خود را تکرار کرد آنقدر که من آرزو کردم کاش دیرتر مسلمان شده بودم و دست به چنین کاری نمی‌زدم(شرف الدین عاملی، بی تا، ۳۹).

بنابر مطالب فوق، تعالیم قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) هرگونه تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی را حرام شمرده و تمامی مبانی فکری و رفتاری تروریسم در اسلام و فقه سیاسی شیعه رد می‌شود. در فقه سیاسی شیعه استفاده از وسایل نامشروع برای رسیدن به هدف نفی می‌شود. اصالت دادن به منافع شخصی به قیمت قربانی کردن منافع دیگران مذموم و حرام شمرده می‌شود و تجاوز به حق الناس و حقوق مردم در هر شکل و تحت هر عنوانی نابخشودنی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

٤. فقه سیاسی شیعه و عملیات استشهادی:

فقه سیاسی شیعه با نفی تروریسم در مقابل آراء بنیادگرایان اسلامی رادیکال قرار گرفت. شیعه با اصول و اندیشه‌ها و سنت فکری و عملی خود از تروریسم برائت جست. اما عده‌ای با طرح شبهاتی سعی در تخریب چهره شیعه دارند. اینان با اشاره به عملیات‌های استشهادی و جواز مشروعیت آن توسط فقه شیعه، این عمل را به مثابه تروریسم معرفی و فقه سیاسی شیعه را حامی تروریسم معرفی می‌کنند. سوالی که پیش می‌آید این است که فقه سیاسی شیعه چه دیدگاهی نسبت به عملیات استشهادی دارد؟ به این منظور و برای پاسخ‌گویی به سؤال فوق باید اشاراتی به عملیات‌های انتحاری نیز نمود. عملیات انتحاری نوعی از تروریسم می‌باشد اما این که تفاوت عملیات استشهادی با عملیات انتحاری چیست، بحثی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

منظور از تروریسم انتحاری اقدام به کشتن دیگران همزمان با قتل خویش است(Pape, 2003: 345). انتحار در لغت یعنی خودکشی و در اصطلاح شرع عبارت است از اینکه کسی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

برای حرص دنیوی و طلب مال و یا در حالت غضب به قصد خودکشی خود را بکشد. به طور کلی اگر انسان برای یک امر دنیوی و با قصد خوکشی بدون اینکه توجیه شعی یا عقلی داشته باشد به انتحار دست زده است(ملأ محمد علی، ۱۳۸٤: ۷۵). عملیات انتحاری از سال ۱۹۷۰ تاکتیکی برجسته در جنبه‌های شورشی محسوب می‌شود. پژوهش‌ها اثبات کرده است، افرادی که دست به عملیات انتحاری می‌زنند نه تنها افراد جانی، بی‌سواد یا فقیر نیستند بلکه عمدتاً از عوام و تحصیل‌کردگان طبقه متوسط‌اند و شگفت این که بسیاری از این افراد، داوطلب هستند. در ۸۱ درصد از عملیات‌های انتحاری که از سال ۱۹۸٦ میلادی به بعد اتفاق افتاده‌اند در ۳۱ مورد از ۳۵ مورد آن‌ها گروه‌های مسلمان جهادی مسئولیت عملیات‌ها را بر عهده گرفته‌اند. در حال حاضر از ۳۵ سازمانی که ترورهای انتحاری انجام می‌دهند ۳۱ مورد اسلامی‌اند(آرگو، ۱۳۸۵ : ۲۵). در این خصوص باید به دیدگاه شیعه در خصوص جهاد نگاه کرد. فقهیان شیعه همانند اهل سنت، تقسیم‌بندی جهاد به دو نوع ابتدایی و دفاعی را قبول کرده‌اند اما به خلاف دیدگاه اهل سنت، جهاد ابتدای را مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید دانسته‌اند(فیرحی، ۱۳۸۳ : ۱۱۳). در آیه‌ای از قرآن کریم آمده است که «جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکمان کنتم تعلمون»(توبه/٤۱). طبق این آیه همه مردم موظفند با اموال و جان‌هایشان در راه خداوند جهاد کنند که خیر آن‌ها در گرو این عمل است. مسلماً کسانی که در راه خداوند دست به عمل شهات‌طلبانه می‌زنند و هدف آنان ضربه زدن به دشمنان خداوند باشد مجاهدان فی سبیل الله می‌باشند. در آیه ۱۱۱ سوره توبه جهاد به عنوان معامله‌ای میان خداوند و مجاهدان مؤمن تعبیر شده است که در آن مجاهدان جان و مال خود را تقدیم خداوند می‌کنند و در تقابل بهشت جاویدان الهی را دریافت می‌کنند(توبه/ ۱۱۱). طبق روایتی از امام رضا(ع)، جهاد با امر امام عادل واجب است و کسی که در دفاع از مال و جان خود مبارزه کند و کشته شود شهید است، و قتل احدی از کفار در دارالتقیه حلال نیست مگر آن که یاغی یا قاتل باشد(فیرحی، ۱۳۸۳ : ۱۱٤). سید علی طباطبایی صاحب ریاض الممالک، در مورد انحصاری بودن جهاد دفاعی توسط امام معصوم، بیان می‌کند که حتی نائب عام امام در دوره غیبت نیز چنین اختیاری از خود ندارد به نظر وی نصوص و ادله متواتر شیعه این دیدگاه را مورد تأیید قرار می‌دهد(طباطبایی، ۱٤۱۵: ٤٤۷-٤٤٦). در خصوص جهاد دفاعی دو دیدگاه وجود دارد اینکه مسلمانان مورد هجوم کفار قرار گیرند و این هجوم اساسی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

اسلام را تهدید و خطر استیلا بر بلاد اسلامی را در پی داشته باشد. در چنین شرایطی بر همه مسلمانان اعم از زن و مرد، سالم و بیمار واجب است که بدون نیاز به اذن امام جهاد نمایند.

جهاد دفاعی دارای ویژگی‌های خاصی است: اول آن که از لحاظ جغرافیای باید در دارالاسلام و در شرایط حضور مهاجمان در جامعه اسلامی شکل یابد؛ دوم آن که محدود به موقعیتی است که مسلمانان قصد تعطیل اسلام . هویت اسلامی و تعطیل شریعت و شعائر دینی مسلمانان می‌داند(فیرحی،۱۳۸۳: ۱۱٦–۱۱۵) بنابراین جهاد از نوع دفاعی آن مانعی ندارد و شیعه این اصل را مشروع می‌داند. حال آیا می‌توان عملیات استشهادی را جزئی از جهاد دفاعی قلمداد نمود؟ فقهای شیعه در مقام پاسخ این عمل را از عملیات انتحاری جدا و آن را زیر شاخه‌ی جهاد دانسته‌اند.

از این منظر افرادی که دست به عملیات‌های انتحاری می‌زنند، قصد و انگیزه الهی ندارند و در مقام دفاع از ایمان و اعتقاد دینی نیستند. بلکه این عمل نشانه بی ایمانی یا ضعف ایمان است و اقدام به خودکشی جزء گناهان کبیره محسوب می‌شود و دارای عذاب الهی است(دستغیب، ۱۳٦۱: ۱۰۵). آیت الله نوری همدانی عملیات استشهادی را نوعی جهاد می‌داند و معتقد است که جهاد در راه خدا با خودکشی موضوعاً و حکماً متفاوت است(ملأ محمد علی، ۱۳۸٤: ۷٦). علامه سید محمد حسین فضل الله در خصوص تباین عملیات استشهادی با عملیات انتحاری بیان می‌کند که نوع اول جزء امور جهادی است و جهاد در راه خدا مستلزم در خطر قرار گرفتن و کشته شدن است. اگر ولی امر نیاز روز و تحقق اهداف را در گرو عملیات استشهادی ببیند و پیروزی مسلمانان در گرو نابودی متجاوزان باشد می‌تواند دستور به عملیات استشهادی دهد که جزئی از جهاد محسوب می–شود(فضل الله، ۱۳۸۰: ۱۳٤–۱۳۳). عملیات استشهادی به معنای عام آن به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن به انجام آن مبادرت کند و در این راه کشته شود(ورعی، ۱۳۸۲: ۳۱۹). آیت الله لنکرانی درخصوص عملیات استشهادی فلسطینیان و دیدگاه فقه شیعه به آن، رأی به جواز این عمل داده و مساله فلسطین را دفاع از خود، حریم، ناموس و کیان اسلام معرفی کرده و این نوع دفاع را به هر نحوی که باشد را جایز معرفی کرده است اما ایشان این نوع عملیات‌هایی که علیه افراد غیر نظامی به کار می‌رود را نفی می‌کنند و آن را جایز نمی‌دانند(فیرحی،۱۳۸۳: ۱۲۱–۱۱۹). امام خمینی (ره) در خصوص تأیید عملیات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

استشهادی در قضیه‌ی حسین فهمیده فرمود: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتراست، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید(ورعی، ۱۳۸۲: ۳٤۰).

در خصوص اثبات مشروعیت عملیات استشهادی می‌توان به ادله روایی شیعی در این خصوص نیز اشاره نمود. در این روایات علاقه معصومین(ع) به شهادت پذیری نشان داده می‌شود. رسول خدا (ص) عشق و علاقه خود را به شهادت در راه خداوند را چنین بیان می‌کند:

«وَ الَذی نَفسی بِیدَی لَووَدَّت إنّی أقتَّلَ فی سَبیل الله ثُمَ إحیا فَاقتَّل ثُمَ احیا فَاقتَّل» قسم به کسی که جانم به دست اوست، دوست داشتم که در راه خدا کشته شوم، سپس زنده گردم، دوباره کشته شده و بار ذدیگر زنده شوم و مجدداً کشته شوم(ورعی، ۱۳۸۲: ۳۲۵). حضرت علی(ع) نیز در خطبه‌ای عشق خود را به نظارت را با تمثیل جالبی بیان می‌کند و علاقه به شهادت در راه خدا را بیش از علاقه کودک شیرخوار به پستان مادر توصیف می‌کنند«و الله لأبن أبی طالب آنس بالموت من الطفل بتدی أمه» (نهج البلاغه،خطبه ۵). همچنین امام حسین(ع) که در فقه شیعه نماد شهادت طلبی است علاقه خود را به شهادت چنین بیان می‌کند: «و ان یکن الابدان للموت انشئت فقتل امریء بالسیف فی الله اجمل» یعنی اگر بدن‌ها برای مرگ آفریده شده، پس کشته شدن انسان با شمشیر در راه خدا، بهتر و زیباتر است(ورعی، ۱۳۸۲: ۳۲۵).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

نتیجه‌گیری

همانگونه که بیان شد، تروریسم مفهومی کلان است و به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. یکی از شاخه‌های مهم تروریسم، تروریسم مذهبی می‌باشد که ویژگی‌های آن ایجاد رعب و وحشت در جامعه و توجیه این اعمال با آموزه‌های دینی می‌باشد.

بعد از وقوع حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر افکار جهانیان تحت تبلیغات غربی، نگرشی منفی نسبت به اسلام و تعالیم آن پیدا نمود. در پی تبلیغات گسترده غرب آموزه‌های اسلام و مسائلی چون جهاد که یکی از احکام الهی مسلمانان می‌باشد به عنوان آموزه‌های همسان تروریسم تعبیر شد. البته این دیدگاه با افکار و اعمال گروه‌های بنیادگرای رادیکالی چون القاعده تقویت می‌شد. القاعده و اندیشه‌های آن حاصل تندروی‌های عده‌ای بود که با سوء تعبیر از آموزه‌های اسلام و مفاهیمی چون جهاد به اقدامات تروریستی دست می‌زدند و اعمال خود را با توجه به تفسیر به رأی از آموزه‌های اسلامی توجیه می‌کردند.

اما اسلام به طور کلی و فقه سیاسی شیعه به طور خاص با اعمال تروریستی به مخالفت می‌پردازد. در فقه سیاسی شیعه برای تروریسم از معادل‌هایی چون فتک، غیله، ارهاب و محاربه استفاده شده است. با نگاهی به آموزه‌های فقه سیاسی شیعه قرآن، سنت و آراء علمای شیعه در مورد تروریسم می‌توان چنین نتیجه گرفت که آموزه‌های فقه شیعه نه تنها ترور و اعمال تروریستی را مورد نهی قرار می‌هند بلکه بر صلح و مودت تاکید دارند.حاصل آنکه دین مبین اسلام دارای آموزه‌هایی است که نه تنها حرکت‌های تروریستی را غیر مشروع می‌داند بلکه با توجه به احکام متعالی این دین می‌تواند منشأ ایجاد قوانینی در نظام روابط بین‌الملل باشد که ریشه تروریسم را در جهان می‌خشکاند. همچنین فقه سیاسی شیعه نه تنها عملیات استشهادی را در قلمرو عملات انتحاری و تروریسم نمی‌داند بلکه با ارائه دیدگاه‌هایی این امر را تأیید و مشروع اعلام می‌نماید. از این رو می‌توان تصریح نمود که:

۱. یکسان‌بینی عملیات تروریستی (با هدف دهشت آفرینی)، خودکشی (با هدف رهایی شخصانی) و عملیات استشهادی در حوزه‌های جواز و اسباب تفاوت‌های کیفی وجود دارد؛

۲. در فقه سیاسی شیعه، عملیات استشهادی، جواز صرفاً دفاعی دارد که حکم آن از سوی فقیه مبسوط الید و به صورت استثنایی و در شرایط صرفاً دفاعی بیّن صادر می‌شود؛

۳. در فقه سیاسی شیعه به تبع مفاهیم عالیه اسلام، اقدام برای کشتن خود و قتل نفس،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

حرام است. کشتن دیگران هم حد شرعی دارد.

در این چارچوب است که فقه سیاسی شیعه و شیعیان در مورد حرکت‌های انتحاری علیه اموال و جان دیگران موضعی امتناعی دارد و الصاق صفت تروریسم برای حرکت‌های اسلامی در فقه سیاسی شیعی، نوعی بی‌دقتی علمی و عمدتاً برخاسته از تخریب وجهه مسلمانان، بویژه شیعیان، است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

منابع

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱٤۰۵). *لسان العرب*، جلد ۱۱، قم: ادب الحوزه.

آدمی، علی و مرادی، عبداله(۱۳۹٤). «چیستی افراط گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش هنجاری»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱٦)، پاییز، صص٦۱-۲۹.

آرگو، نیکول (۱۳۸۵). «بمب‌های انسانی، نگاهی دوباره به رابطه مذهب و ترور»، ترجمه احمد ذوعلم، *دوماهنامه هابیل*، صص۲۹-۲٤.

اسپوزیتو، جان (۱۳۸٤). *جنگ نامقدس،تروربه نام اسلام*، ترجمه ماری هجران، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی- بین المللی.

اسدی، علی و غلامی، طهمورث (۱۳۹۰). «واکاوی بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه»، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲۸۳، صص۵۹-٤۰.

اسماعیلی، حمید رضا (۱۳۸٦). *القاعده از پندار تا پدیدار*، تهران: موسسه اندیشه سازان نور.

آشوری، داریوش (۱۳۸۹)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.

امین زاده، الهام (۱۳۸۰). «تفاوت تروریسم ودست یابی به حق تعیین سرنوشت»، *فصلنامه راهبرد*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۱، صص۹۷-۸۳.

انطون، الیاس (۱۳۷۰). *فرهنگ نوین*، ترجمه مصطفی طباطبایی، تهران: بی‌نا.

انیس، ابراهیم و دیگران (۱٤۱۰ ه.ق). *المعجم الوسیط*، جلد دوم، بیروت: دارالامواج.

برگن، پیتر آل (۱۳۹۰). *اسامه بن لادن*، ترجمه عباسقلی غفاری فرد، تهران: انتشارات اطلاعات.

جعفری، حسن و بهرامی خوشکار، محمد (۱۳۹۳)، «جریان شناسی گروه‌های تکفیری انحرافی در اسلام» *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱۲)، پاییز، صص٦۱-۲۷.

حر عاملی، محمد حسین (بی تا). *کتاب الجهاد*، ، جلد ۱۱، ابواب جهاد العدو، باب ۱۵، حدیث ۲، بی‌جا.

حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۷). «تروریسم بین المللی از دیدگاه اسلام»، *ماهنامه معرفت*، ش ۱۲۵، صص ۳۲-۱۵.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). *مبارزه با پدیده شیطانی تروریسم را تکلیفی تخلف‌ناپذیر برای خود می‌دانیم*، برگرفته از سایت: http://www.khabaronline.ir/news-159280.aspx

دستغیب، عبدالحسین (۱۳٦۱). *گناهان کبیره*، جلد اول، قم:کانون اندیشه‌های اسلامی.

دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷). *جنبش‌های اسلامی معصر در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.

دهخدا، علی اکبر (۱۳٤۳). *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.

ری‌شهری، محمد (۱۳۷۵). *میزان الحکمه*، جلد۳، قم: دارالحدیث.

زرقاوی، ابو مصعب (۱۳۸۵). «پرنس القاعده»، ترجمه محمد علی فیروز آبادی، *روزنامه شرق*، ۲۳ خردادماه.

سروش نژاد، احمد (۱۳۸۷). *تروریسم و دفاع مشروع(مجموعه مقالات)*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

سید قطب (۱۳٦۹). *آینده و قلمرو اسلام*، ترجمه سید علی حسینی خامنه‌ای، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
شبان نیا، قاسم (۱۳۸۵). «تروریسم از دیدگاه اسلام و غرب»، *نشریه معرفت*، شماره ۱۰۵، صص ٤۳-۳۲.
شرف الدین عاملی، سید عبدالحسین(بی تا). *مباحثی پیرامون وحدت اسلامی*، ترجمه سید ابراهیم علوی، تهران: نشر مطهر.
طارمی، محمد حسین (۱۳۸۷). «بررسی فقهی اقدامات تروریستی در جوامع اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ٤۱، صص۱۱۰-۷۳.
طاهری سید مهدی و احمدوند، شجاع (۱۳۹٤). «وهابیت و استمرار حاکمیت آل سعود»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ٤ (پیاپی ۱۷)، زمستان، صص ۱۱۳-۸۷.
طباطبایی، سید علی (۱٤۱۵ه.ق). *ریاض الممالک*، جلد ۷، قم: موسسه انتشاراتی اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن (۱٤۹۰ه.ق). *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم: دارالکتاب الاسلامیه.
طلوعی، محمود (۱۳۷۲). *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران: سخن.
طیب، علیرضا (۱۳۸۰). «تروریسم در فراز و فرود تاریخ»، *مجله راهبرد*، شماره ۲۱، صص ٦۷-۵۳.
عبدالهی، محسن (۱۳۸۸). *تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
فاضل میبدی، محمدتقی و دیگران (۱۳۸۱). *تساهل و تسامح*، جلد دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی، انتشاراتی آفرینه.
فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۸۰). *فقه زندگی*، ترجمه مجید مرادی، قم: دارالملاک.
فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۷۷). *سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
فیرحی، داوود (۱۳۸۳). «دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه»، *شیعه شناسی*، شماره٦، صص۱۲٦-۱۰۹.
فیض اللهی، روح‌الله (۱۳۹۰). *نقد و بررسی ترور در قرآن کریم*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
کرم زادی، مسلم (۱۳۹۵). «سلفی گرایی جهادی- تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۸)، بهار، صص ۱۱۳-۱٤۲.
کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱٤۰۷ ه.ق). *الکافی*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
لیپست، سیمور مارتین (۱۳۸۳). *دایرة المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و نور الله مرادی، ج۱، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
مجلسی، محمد باقر (۱٤۰۳ ه.ق). *بحار الانوار* الجلد ۲۸، بی‌جا: دارالحیاء التراث العربی.
مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۸۱). *مبانی فقهی محکومیت تروریسم در اسلام*، تهران: نشر مؤلف.
معلوف، لوئیس (۱٤۰۷ ه.ق). *المنجد فی اللغه او الاعلام*، بیروت: دارالمشرق.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

مکارم شیرازی، ناصر (۱٤۲۷ه.ق). *استفاءات جدید*، جلد اول، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
ملأ محمد علی، امیر (۱۳۸٤). «ادله مشروعیت عملیات استشهادی از منظر فقه امامیه»، *مربیان*، شماره ۱۸، صص ۹۵-۷۳.
منتظری، حسینعلی (۱۳۷۷). *توضیح المسائل*، چاپ شانزدهم، تهران: نشر تفکر.
مندلاوی، محمد محمود (۱۳۹۰). *پدیده تروریسم در امتداد تاریخ*، ترجمه محمد رضا میرزا جان(ابو امید)، تهران: نشر قدر ولایت.
مهدی بخشی، شیخ احمد (۱۳۸۵). «سید قطب و اسلام گرایی معاصر»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۳۳، صص ۱۹۰-۱۷۱.
مهدی بخشی، شیخ احمد (۱۳۸۷). «القاعده و تروریسم مذهبی» ، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ٤۱، صص ۲۱٦-۱۹۳.
موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵). *مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی*، جلدششم، تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.
ناجی راد، محمد علی (۱۳۸۵). *جهانی شدن تروریسم*، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
نبوی، سید عبدالامیر؛ مرادی، فاتح و شیخ الاسلامی (۱۳۹٤). «بررسی شاخصه‌های هویت روانی با تکیه بر بنیادگرایی مذهبی»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱٦)، پاییز، صص۲۹-۱.
نجفی، محمد حسن (۱۳٦۲). *جواهر الکلام*، جلد چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نعمتی وروجنی، یعقوب (۱۳۸۸). *ترور از دیدگاه اسلام و امام خمینی(ره)*، تهران: امیرکبیر.
هادویان، غلامحسین (۱۳۸۲). «مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسبت به آن»، *فصلنامه مصباح*، دانشکده و پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ٤۵، صص ٤۸-۲۷.
هاشمی شاهرودی، سید محمود ودیگران (۱۳۸۱). *تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل*، تهران: روزنامه رسمی.
ورعی، سید جواد (۱۳۸۲). «مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه»، *حکومت اسلامی*، شماره ۲۷، صص ۳٤۷-۳۱۲.

Bergen Peter (2005), *A Discussion of Some of the Underlying Causes of Al Qaeda Terrorism*, Washington, DC.

Binder, Leonard (1988), *Islamic Liberalism: A Critique of Development Ideologies* ,The University of Chicago Press.

Choueiri Youssef (1988), *Islamic Fundamentalism* avalabelat:http://www.muslim philosophy. Com/ip/rep/H..7.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

Esposito, John (1992), *The Islamic Threat: Myth or Reality*, New York, Oxford University Press.

Keeney, Gregory L., (2009), *Center for Risk and Economic Analysis of Terrorism Events*, University of Southern California.

Morris, Michael F., (2005),*AL-QAEDA AS INSURGENCY*, U.S. Army War College,Ca rlisleBarracks,Carlisle.

Pape, Robert A .,(2003),''The Stratejic Logic of Suicide Terrorism'' *in American Political Science Review*, Vol 97, pp 343-367.

Plane, Jack C, (1988), *The International Relation Dictionary*, USA: Longman.

Rene Beres, Louis,(1971), *''Assassination of Terrorists May Be Law-Enforcing: A Brief according to International Law''*, available at:http://www.freeman.org/m_online/nov97/beres2.htm.

Schwandt, David (2001), *Al-Qaida in Action and Learning: A Systems ApproachChuck Lutes*, The George Washington University, available at: http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/readings/al_qaida2.htm

Schweitzer, Yoram and Shaul Shay, (2003), *The Globalization of Terror. The chanenge of Al-Qaeda and the Response of the International Community* ,New Brunswick (USA) and London: Transaction Publishers.

Scott Doran, Michael (2001),' *'Somebody Else's Civil War: Ideology, Rage, and the Assault on America'*', in James F. Hoge and Gideon Rose (ed.), How Did this Happen?: Terrorism and the New War, New York, New York: Public Affairs.

Shepard Wiliam (2003), ''SayydQutbs Doctrine of Jahiliyya'', *International Journal of Middle East Studies*, New York University.

Sparago, Marta, (2007), *Terrorist Recruitment The Crucial Case of Al Qaeda'sGlobal Jihad Terror Network*, New York University.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۴۰۵

مطلبی، مسعود؛ آرایش، حسن؛ رحیمی عماد، سیدرضا (۱۳۹۵)، «تروریسم ازمنظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات‌های استشهادی» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س٦، ش٤، زمستان ۹۵، صص ١٤٦-١١٩

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]